



Strengthening the approach of individualizing punishments in political sociology in Iranian criminal law

Mehrdad Zamani¹, Mohammadreza Goodarzi *², Esmail Abdollahi³

1 PhD student, Criminal Law and Criminology, Department of Law, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran, Email: mehrdadz@ yahoo.com

2 Corresponding Author Assistant Professor, Department of Law, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran, Email: Reza200ir@ yahoo.com

3 Assistant Professor, Department of Law, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran, Email: dr.abdollahi1349@ yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article History:
Receipt Date: 09 July 2024
Revision Date: 06 October 2024
Acceptance Date: 16 October 2024
Publication Date: 19 October 2024

Keywords:
Individualization, post-trial, accusations, execution of sentences, political sociology

Purpose: This research examines the concept of individualization of punishment in criminal sociology and aims to analyze historical and theoretical developments in methods of determining punishment, emphasizing the role of social and individual factors in the judicial process. Also, the study of how legal schools (such as modern classical, realization, and social defense) affect the formation of criminal institutions and restorative justice is considered.

Research Method: This research, with a descriptive-analytical approach and using a library method, has examined legal texts, criminal sociology, and schools related to punishment. Data have been extracted and evaluated through content analysis of criminology and criminal law theories.

Findings:

- Individualization of punishment means adapting punishment to the personality of the offender, the motives of the crime, and social conditions, which is achieved through the personality file in the judicial process.
- The historical evolution of punishment shows that there has been a move from formal justice (equal punishment) to substantive justice (punishment appropriate to the individual and society).
- Legal schools, especially modern classical, with their emphasis on human agency and the usefulness of punishment, and schools of realization and social defense, with their sociological view of the criminal, have paved the way for the evolution of individualization of punishment.
- Under the influence of criminal sociology, penal institutions have changed from a rigid and law-oriented approach to flexibility and attention to the rehabilitation of the offender.

Conclusion: Individualization of punishment as a socio-judicial solution not only helps to reform the offender, but also increases the efficiency of the penal system. This research shows that the integration of sociological and legal considerations in determining punishment leads to the realization of restorative justice and a reduction in recidivism. Also, the need to review penal institutions to adapt to changing social needs is emphasized.

Cite this article: Zamani, Goodarzi, Abdollahi, Mehrdad, Mohammadreza, Ismail (2025). Strengthening the approach of individualizing punishments in political sociology in Iranian criminal law, *Modern Research in Islamic Humanities Studies*, 6 (3), 295-312.. <http://doi.org/10.22034/API.2025.2051810.1155>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/API.2025.2051810.1155>

Publisher: University of Lorestan.



تقویت رویکرد فردی سازی مجازات ها در جامعه شناسی سیاسی در حقوق کیفری ایران

مهرداد زمانی^۱، محمدرضا گودرزی^{۲*}، اسماعیل عبدالهی^۳

^۱: دانشجوی دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران، ایمیل:

mehrdadz@yahoo.com

^۲: استادیار، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران، ایمیل:

Reza200ir@yahoo.com

^۳: استادیار، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران، ایمیل:

dr.abdollahi1349@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

هدف: این پژوهش به بررسی مفهوم فردی سازی مجازات در جامعه شناسی کیفری می پردازد و هدف آن تحلیل تحولات تاریخی و نظری در شیوه های تعیین مجازات، با تأکید بر نقش عوامل اجتماعی و فردی در فرآیند دادرسی است. همچنین، مطالعه چگونگی تأثیر مکاتب حقوقی (مانند کلاسیک نوین، تحقیقی و دفاع اجتماعی) بر شکل گیری نهادهای کیفری و عدالت ترمیمی مورد توجه قرار می گیرد.

روش پژوهش: این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه ای، به بررسی متون حقوقی، جامعه شناسی کیفری و مکاتب مرتبط با مجازات پرداخته است. داده ها از طریق تحلیل محتوای نظریه های جرم شناسی و حقوق کیفری استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته اند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

یافته ها:

- فردی سازی مجازات به معنای تطبیق مجازات با شخصیت مجرم، انگیزه های جرم و شرایط اجتماعی است که از طریق پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی محقق می شود.

- تحول تاریخی مجازات نشان می دهد که از عدالت صوری (مجازات یکسان) به سوی عدالت ماهوی (مجازات متناسب با فرد و جامعه) حرکت شده است.

- مکاتب حقوقی، به ویژه کلاسیک نوین، با تأکید بر اختیار انسان و سودمندی مجازات، و مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی، با نگاه جامعه شناسی به بزهکار، زمینه ساز تکامل فردی سازی مجازات بوده اند.

- نهادهای کیفری تحت تأثیر جامعه شناسی کیفری، از رویکردی خشک و قانون محور به سمت انعطاف پذیری و توجه به بازپروری مجرم تغییر جهت داده اند.

کلیدواژه ها:

فردی سازی، پسادادرس،

اتهامات، اجرای احکام،

جامعه شناسی سیاسی

نتیجه گیری: فردی سازی مجازات به عنوان یک راهکار قضایی-اجتماعی، نه تنها به اصلاح مجرم کمک می کند، بلکه کارایی نظام کیفری را افزایش می دهد. این پژوهش نشان می دهد که تلفیق ملاحظات جامعه شناسی و حقوقی در تعیین مجازات، منجر به تحقق عدالت ترمیمی و کاهش تکرار جرم می شود. همچنین، ضرورت بازنگری در نهادهای کیفری برای انطباق با نیازهای متغیر اجتماعی مورد تأکید است.

استناد: زمانی، گودرزی، عبدالهی، مهرداد، محمدرضا، اسماعیل (۱۴۰۳). تقویت رویکرد فردی سازی مجازات ها در جامعه شناسی سیاسی در حقوق کیفری ایران، پژوهش

های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، ۶ (۳)، ۲۹۵-۳۱۲

<http://doi.org/10.22034/API.2025.2051810.1155>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.



۱- مقدمه

ظهور جرم‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی، نقطه عطفی در تحول حقوق کیفری ایجاد کرده است. این علم با بررسی روابط و تأثیرات متقابل خود با حقوق کیفری، مفاهیم، قواعد، نهادها و اصول جدیدی را به این حوزه وارد کرده که نه تنها حقوق کیفری را انسانی‌تر کرده، بلکه قلمرو آن را گسترش داده و افق‌های نوینی را پیش روی قانون‌گذاران و حقوق‌دانان گشوده است. یکی از برجسته‌ترین اصول برخاسته از این تعامل، «فردی‌سازی مجازات‌ها» یا «تفرید کیفری» است که به معنای تطبیق مجازات با ویژگی‌های شخصی، جسمانی، روانی و اجتماعی فرد مرتکب جرم تعریف می‌شود. این اصل در قوانین کشورهای غربی، مانند فرانسه و انگلیس، به‌خوبی نهادینه شده و به‌عنوان یک الگوی موفق شناخته می‌شود (مظلومان، ۱۳۸۶: ۶۸). در حقوق کیفری ایران نیز نشانه‌هایی از این اصل در قوانینی مانند قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مشاهده می‌شود، هرچند هنوز به سطح توسعه‌یافتگی نظام‌های حقوقی پیشرفته نرسیده است. فردی‌سازی مجازات‌ها به این معناست که قاضی کیفری با شناخت دقیق شخصیت واقعی مجرم، تدبیری قضایی اتخاذ کند که به اصلاح و بازپروری او منجر شود و او را به جامعه و خانواده بازگرداند. این شناخت از طریق تشکیل «پرونده شخصیت» در کنار پرونده کیفری به‌دست می‌آید؛ پرونده‌ای که برخلاف پرونده کیفری - که صرفاً به توصیف عمل مجرمانه می‌پردازد - حاوی اطلاعات جامع از خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی بزهکار است (فتحی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۵). قاضی با بهره‌گیری از این اطلاعات و نظرات کارشناسان علوم مختلف، عوامل مؤثر بر جرم، میزان اراده آزاد مجرم و انگیزه‌های او را تحلیل کرده و بهترین راهکار را برای اصلاح او انتخاب می‌کند. امروزه، نگاه به مجرمان به‌عنوان «بیماران اجتماعی» در میان جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان رواج یافته و هدف مجازات از تنبیه صرف به سمت درمان و بازپروری تغییر جهت داده است. این تحول نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی کیفری و حرکت به سوی نظام‌هایی است که به فردیت و شرایط خاص هر بزهکار توجه دارند. با وجود این تحولات، نظام کیفری ایران با چالش‌هایی جدی در تحقق اصل فردی‌سازی مجازات‌ها مواجه است. افزایش آمار جرایم، به‌ویژه تکرار جرم، گواهی بر ناکارآمدی مجازات‌های سنتی و یکنواخت است که نه تنها بازدارندگی لازم را برای جامعه ایجاد نکرده، بلکه تأثیری مثبت بر خود مجرم نیز نداشته است (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). این ناکارآمدی، آثار جبران‌ناپذیری بر مجرم، خانواده او و جامعه به‌جا گذاشته و پرسش‌هایی اساسی را مطرح می‌کند: چرا مجازات‌های کنونی در کاهش جرایم و اصلاح بزهکاران موفق نبوده‌اند؟ آیا نظام کیفری ایران ابزارها و زیرساخت‌های کافی برای تطبیق مجازات با شخصیت و شرایط بزهکار را در اختیار دارد؟ و مهم‌تر از همه، چگونه می‌توان این اصل را به‌ویژه در مرحله پس‌ادداری و اجرای احکام تقویت کرد تا به اهداف اصلاح و بازسازی اجتماعی دست یافت؟ در گذشته، سودمندی مجازات در اجرای قطعی و یکسان آن تعریف می‌شد و عدالت به‌صورت صوری به برابری در مجازات تعبیر می‌گردید. اما تحت تأثیر ملاحظات انسان‌شناختی و جرم‌شناختی، این دیدگاه تغییر کرده و مجازات به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و پویا بازتعریف شده است. در ایران، قانون‌گذار با الهام از نظام‌های حقوقی پیشرفته و تکیه بر ظرفیت‌های فقهی، تلاش‌هایی برای نهادینه‌سازی این اصل انجام داده است، به‌ویژه در قوانین مصوب ۱۳۹۲. با این حال، این تلاش‌ها هنوز به سطح مطلوب نرسیده و نیازمند بررسی عمیق‌تر و ارائه راهکارهای عملی است. سؤال اصلی این پژوهش این است: چگونه می‌توان با استفاده از رویکردهای نوین جرم‌شناسی و ظرفیت‌های موجود در قوانین کیفری ایران، به‌ویژه در مرحله پس‌ادداری و اجرای احکام، اصل فردی‌سازی مجازات‌ها را تقویت کرد تا هم به کاهش تکرار جرم کمک کند و هم اهداف اصلاح، بازپروری و عدالت اجتماعی را محقق سازد؟ این سؤال به دنبال شناسایی موانع اجرایی، تحلیل ابزارهای قانونی موجود و ارائه راهبردهایی برای بهبود این فرآیند در نظام قضایی ایران است.

فردی‌سازی مجازات‌ها از حدود یک قرن پیش در کشورهای غربی مورد توجه قرار گرفته و با اندیشه‌های افرادی مانند مارک آنسل به یک تحول انقلابی در دکترین و قوانین کیفری تبدیل شده است. تحقیقات آماری گسترده در این کشورها نشان داده که

ابزارهای مدرن حقوق کیفری، مانند میانجی‌گری و عدالت ترمیمی، می‌توانند به کاهش جرایم و تکرار جرم کمک کنند. در ایران، این موضوع تا دهه‌های اخیر چندان مطرح نبود. قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹، که از قوانین غربی الهام گرفته شده بود، به دلیل عدم اجرا عملاً کنار گذاشته شد و نظام دادرسی اطفال نیز توجه کافی دریافت نکرد. اولین گام‌ها در جهت توجه به شخصیت بزهکار در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ برداشته شد که با پیش‌بینی تخفیف، تعلیق و تشدید مجازات در موارد تکرار جرم، به این موضوع پرداخت. پس از آن، قوانینی مانند قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸)، قانون تعلیق اجرای مجازات (۱۳۴۶) و قانون آزادی مشروط (۱۳۳۷) حرکت‌هایی در راستای تطبیق مجازات با شخصیت مجرم بودند. پس از انقلاب اسلامی، قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و قانون اساسی به این اصل توجه نشان دادند و در حوزه تعزیرات، نهادهایی مانند آزادی مشروط و تخفیف مجازات توسعه یافتند. قوانین مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸ نیز این روند را ادامه دادند، اما نقطه عطف در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رخ داد که نوآوری‌هایی در زمینه فردی‌سازی مجازات‌ها، به‌ویژه در مرحله پس‌ادداری، به همراه داشت (یزدانیان جعفری، ۱۳۹۱: ۲۸۴). پژوهش‌های پیشین در ایران، مانند آثار بهنامی (۱۳۹۱)، صفرزاده (۱۳۹۲)، کاظمی رودسری (۱۳۹۲) و کیانی (۱۳۹۲)، به جنبه‌های کلی تفهیم کیفری پرداخته‌اند، اما کمتر به مرحله پس‌ادداری و اجرای احکام با نگاهی نوین تمرکز کرده‌اند. این خلأ پژوهشی، اهمیت و ضرورت بررسی حاضر را برجسته می‌کند. این پژوهش با هدف پر کردن خلأ موجود در مطالعات مربوط به فردی‌سازی مجازات‌ها در مرحله پس‌ادداری و اجرای احکام، ساختاری منسجم را دنبال می‌کند. در بخش نخست، مفهوم فردی‌سازی مجازات‌ها و جایگاه آن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری ایران تبیین می‌شود تا چارچوب نظری پژوهش مشخص گردد. در بخش دوم، تحولات قانونی در ایران، به‌ویژه قوانین مصوب ۱۳۹۲، تحلیل شده و ابزارهایی مانند تشکیل پرونده شخصیت، آزادی مشروط و عفوهای خاص بررسی می‌شوند. بخش سوم به چالش‌های اجرایی این اصل، از جمله کمبود زیرساخت‌ها، نبود آموزش کافی برای قضات و محدودیت‌های قانونی، اختصاص دارد. در بخش چهارم، نوآوری‌های قوانین جدید و کارآمدی آن‌ها در تحقق اهداف اصلاحی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت، با ارائه پیشنهادهایی مانند تقویت زیرساخت‌های جرم‌شناختی، آموزش قضات در زمینه تلفیق فقه و جرم‌شناسی، توسعه ابزارهای جایگزین مجازات و بازنگری قوانین، راهکارهایی برای تقویت این اصل ارائه خواهد شد. این پلان توجیهی با رویکردی تلفیقی از جرم‌شناسی، فقه و حقوق کیفری، به دنبال پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و ارتقای نظام کیفری ایران در راستای عدالت، اصلاح و بازپروری است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱ اصل فردی بودن

فردی کردن مجازات‌ها یعنی؛ شناخت شخصیت واقعی مجرم با توجه به عوامل مختلف تأثیرگذار در ارتکاب جرم، با استفاده از نظریه کارشناسان علوم مختلف و تعیین مجازات مناسب با شخصیت مرتکب به نحوی که باعث اصلاح و درمان مجرم شود و باعث بازگشت مرتکب به آغوش جامعه و خانواده اش شود.

در معنای وسیع‌تر فردی کردن یعنی اصلاح و تربیت مجدد مجرم با استفاده از جایگزین‌های حبس و کیفرزدایی و جرم‌زدایی به نحوی که جامعه‌ی بیمار نیز بتواند همراه با مجرم اصلاح شده و از میکروبیهای فاسد کننده پاک شود تا بتواند تکامل یافته و افراد اجتماع را نیز در مسیر تکامل یاری دهد.

بعضی از مؤلفین جرم‌شناسی، شخصی بودن مجازات‌ها را دارای دو مفهوم دانسته‌اند. این دسته از نویسندگان در بیان مفهوم دوم شخصی بودن مجازات‌ها نوشته‌اند: «درمورد هر فردی باید کیفری متناسب با شخصیت و نوع جرم ارتکابش اعمال شود. درمورد یک نوع جرم نباید یک نوع مجازات به همه مرتکبین تحمیل گردد بلکه مجازات باید جنبه فردی به خود بگیرد و هر کس

بر حسب خصوصیات و شرایطی که دارد به مجازاتی متناسب محکوم شود. اینگونه رفتار کردن به معنای واقعی اجرا کردن عدالت است. خوشبختانه با پیشرفتی که در جهت درمان بزهکاران در برخی از ممالک حاصل شده است فردی شدن مجازات‌ها خود به خود عملی می‌گردد» (مظلومان، ۱۳۸۶: ۴۷).

۲-۲ جامعه‌شناسی سیاسی

جامعه‌شناسی سیاسی از پیوند دو دانش جامعه‌شناسی و سیاست متولد گشته است، جامعه‌شناسی شناخت منشاء تکامل، ساختار و کار ویژه‌های گروه‌های اجتماعی، شکل‌های آنها، قوانین، آداب و رسوم، شیوه‌های زندگی، اندیشه و عمل و مشارکت آنها در فرهنگ و تمدن بشری است؛ و می‌کوشد اصول عام پدیده‌ها و روابط اجتماعی را کشف کند، و قوانین دگرگونی و رشد جامعه را بر پا دارد، واحد تحلیل در جامعه‌شناسی، جامعه است با این خصیصه که، جامعه پدیده‌ای مجزا، دارای انسجام درونی و خود سامان بخش است (راش، ۱۳۷۷: ۳).

از آنجا که موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی بررسی رابطه‌ی میان دولت، قدرت سیاسی و قدرت دولتی از یک سو و جامعه و قدرت اجتماعی یا نیروهای اجتماعی از سوی دیگر است و همچنین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی شامل توضیح جایگاه دولت در درون شبکه‌ی پیچیده‌ی علایق و منافع اجتماعی و اقتصادی و روابط حاصل از آن است. جامعه‌شناسی سیاسی را می‌توان، کوششی فکری برای توضیح و تبیین پدیده‌ها، رفتارها و ساخت‌های سیاسی به وسیله عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دانست.

جامعه‌شناسی سیاسی پویای سیاسی را با رویکرد جامعه‌شناسانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، و به جنبه‌ی پویایی رفتار سیاسی که متأثر از پویای اجتماعی است، مثل هم‌کاری، رقابت، ستیز، تحرک اجتماعی، عقیده عمومی، انتقال قدرت در بین گروه‌ها و بالاخره کلیه‌ی پویای‌هایی که به نحوی در رفتار سیاسی موثر باشند، توجه دارد. اساساً جامعه‌شناسی سیاسی می‌کوشد پیوندهای میان جامعه و سیاست را مطالعه کند، و با تحلیل رابطه بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی، و بین رفتار اجتماعی و رفتار سیاسی، سیاست را در زمینه‌ی اجتماعی آن قرار دهد (راش، ۱۳۷۷: ۳).

بنابراین هدف از نگارش این مقاله یافتن این پاسخ است که آیا می‌توان بر اساس ویژگی‌های جامعه‌شناختی سیاسی جرائم را فردی سازی کرد؟ و به تشکیل پرونده شخصیت براساس جامعه‌شناسی سیاسی پرداخت؟

۳-دلائل عمده بر تحول فردی سازی مجازات از منظر جامعه‌شناسی سیاسی

بررسی رابطه فرهنگ و فردی سازی مجازات، یکی از موضوعات محوری در جامعه‌شناسی کیفر است. تبیین فرهنگی از مجازات مدعی است که تحولات ایجاد شده در مکان اجرای مجازات‌ها و همچنین استفاده از شیوه‌های نوین مجازات‌هاکی از تحول به وجودآمده در احساسات و ذهنیت‌های جامعه است. از این منظر، مجازات همیشه نمودی از ارزش‌های زمان خود است ارزش‌هایی که در اثر عوامل متعددی به تدریج و در طول زمان متحول می‌شوند. در ادامه به مهمترین دلایل بر فردی سازی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی در حقوق کیفری اشاره می‌کنیم:

۳-۱ رشد فردگرایی و تحول ارزش‌ها

مجازات پدیده‌ای اجتماعی است که با احساسات و عواطف جامعه پیوند درهم تنیده‌ای دارد. احساساتی همچون دلسوزی، شفقت، ترس، نفرت، ترحم و... در نوع و شیوه‌ی تحمیل مجازات تأثیرگذار هستند. بنابراین هرچند امروزه متولیان سیاست جنایی تمایل دارند تا با رویکردی ابزاری و مدیریتی به تحمیل مجازات بپردازند، اما نوع مجازات و چگونگی اجرای آن در صورتی پذیرفت خواهد شد که با ذهنیت‌ها و احساسات جامع تطابق داشته باشد (Garland, 1990, p. ۱۴). توضیح آنکه در دوران گذشته مجازات‌ها به صورت وحشتناک و در منظر عموم اجرا می‌شد، به گونه‌ای که نمایش عمومی مجازات‌ها و دیدن رنج و عذاب مجرمان قسمتی از زندگی

اجتماعی مردم شده بود. اما به تدریج این منظره‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگونی به عنوان صحن‌های ناخوشایند معرفی شدند. از مهمترین دلایل تحول فرهنگی، رشد فردگرایی است. از نظر دورکهایم (Durkheim) حرکت طبیعی جامعه مدرن به سوی فردگرایی است فردگرایی به آن ساختار فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد که بر کرامت و ارزش فرد انسانی تأکید می‌کند. در واقع همچنان که ساختار اجتماعی پیشرفت می‌کند، افراد نسبت به احساسات خود و نیز نسبت به هم نوعان خود حساس‌تر می‌شوند (موریسون، ۱۳۸۱: ۱۴۱). به عبارت دیگر، دلیل تحمیل مجازات‌هایی نامتناسب با فرد مجرم و متهم و عدم وجود فردی بودن مجازات در جوامع پیشین آن بود که ارزش‌ها در چنین جوامعی ویژگی جمعی و شب مذهبی داشتند و به نوعی ارزش بزه دیده به مراتب بیش از بزه‌کار بود بدین سان، نقض ارزش‌ها با واکنش‌های شدیدی مواجه می‌شد، اما به تدریج و هم‌زمان با تحولاتی مانند کم‌رنگ شدن تأثیر مذهب و تقسیم کار اجتماعی، نوعی برابری در جامع به وجود آمد. از این پس میان بزه‌کار و بزه دیده آنچنان اختلافی وجود نداشت (دورکیم، ۱۳۹۲: ۱۱۲۰). لذا این وضعیت در کنار تحولاتی همچون توسعه روزافزون علوم انسانی و اجتماعی، رشد دموکراسی، تحول در شخصیت روانی افراد، پیشرفت‌های صنعتی، رشد طبقه متوسط شهری و... باعث تغییر فرهنگ جامعه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی از جمله شیوه اعمال مجازات‌ها شد.

۳-۲ خصوصی سازی خشونت

یکی دیگر از مهمترین نمودهای متمدن شدن و تحولات فرهنگی آن است که برخی از جنبه‌های زندگی که با حساسیت‌ها و ذهنیت‌های جدید سازگار نیستند، از منظر عموم ناپدید و در پشت صحنه زندگی پنهان شوند. ویژگی‌هایی همچون خشونت، بیماری، رنج کشیدن و مرگ به صورتی درمی‌آیند که ناخوشایند هستند و به تدریج در مکان‌هایی خصوصی جای می‌گیرند. تولد نهادهایی چون بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت، زندان‌ها را می‌توان بر پایه همین نگرش تبیین کرد. در ظاهر، تأثیر ملموس تحولات فرهنگی در نوع و چگونگی اجرای مجازات‌ها و فردی سازی و تطبیق مجازات با نوع جرم در کشورمان را می‌توان از دوران پهلوی به این سو مشاهده کرد. با گسترش دانشگاه‌ها، افزایش طبقه متوسط شهری، پیشرفت صنعت، توجه فزاینده به فرهنگ غرب و... تحولاتی در جامعه ایرانی به وقوع پیوست. نمود این تحولات در قوانین کیفری نیز هویدا بود. در قانون مجازات عمومی، «زندان» به عنوان مجازات اصلی پذیرفته شد، اما انتقاد اصلی به بحث تحولات فرهنگی در دوره پهلوی این است که در آن دوران، جامعه ایرانی با تحولاتی از بالا به پایین مواجه شد به این ترتیب که بسیاری از وجوه زندگی از سوی دولت تغییر یافت و به واسطه نمادهای غربی بیان شد. پوشش، سینما، دانشگاه و... با فرهنگی که مبتنی بر ارزش‌های جامعه غربی بود، جایگزین شد. به سخن دیگر، تحولات ناشی از احساسات و ذهنیت‌های آن زمان نبود، به همین دلیل جامع به جستجو و احیای ارزش‌ها و باورهای خویشتن و تقابل با وضعیت موجود پرداخت. اوج این تقابل را می‌توان در وقوع انقلاب ۱۳۵۷ مشاهده کرد. انقلاب به نوعی بازگشت به ارزش‌ها و احساسات اجتماعی ازدست رفته بود بازگشت به فرهنگ پیشین در تمام پدیدارهای اجتماعی از جمله مجازات آشکار بود.

پس از انقلاب، جامعه تحت تأثیر فضای انقلابی و سپس به دلیل قرار گرفتن در شرایط جنگی، واکنش‌های شدیدی بر انواع جرائم و عدم تناسب جرم و مجازات در مقابل قانون شکنان نشان داد. در آن دوران، جنگ تحمیلی باعث ایجاد این توقع شده بود که در فضایی که بسیاری از جوانان در مقابل دشمن به شهادت رسیده‌اند، ارتکاب جرم، به ویژه جرایم علیه مذهب و جرایمی همچون قاچاق مواد مخدر، به هیچوجه تحمل نشود. از نظر جامعه زمان انقلاب و جنگ، مجرم فردی بود که مهمترین ارزش‌ها و احساسات اجتماعی را زیر پا گذاشت و سزاوار مجازات شدیدی بود. اما به تدریج جامعه ایران از فضای انقلابی و جنگ فاصله گرفت و تحولات ارزشی و فرهنگی متعددی در احساسات و ذهنیت‌های مردم به وجود آمد. از دهه هفتاد به این سو، با رشد آموزش عالی، گسترش

اینترنت و رسانه‌های جمعی، توسعه شبکه ارتباطات، ورود فزاینده زنان به بازار کار، رشد طبقه متوسط شهری و ... حساسیت‌های جامعه ایرانی تا حدودی تغییر پیدا کرد (رهامی، ۱۳۸۲: ۱۵).

۴- تحول بر اجرای فردی سازی مجازات در نظریه تکامل قدرت

بر اساس نظریه مجازات و تکامل قدرت، دگرگونی در نوع و شیوه اجرای مجازات‌ها، جلوه‌ای از تحول حساسیت‌ها، ذهنیت‌ها و احساسات جامعه نیست، بلکه تغییر در سازوکارهای کنترل محکومان و همچنین افراد جامعه به تناسب شرایط اجتماعی است. اگر در دوره‌های گذشته مجازات‌ها تناسبی با جرم ارتكابی و شخصیت مجرم و متهم نداشت، دلیل این امر این بوده که نهاد قدرت خود به چنین روشی از خود حراست می‌کرد. به همین ترتیب، تغییر و تحولات مجازات در جوامع امروزی را نیز باید در همین راستا تفسیر کرد. میشل فوکو یکی از مهمترین متفکرانی است که در حوزه قدرت و ارتباط آن با مجازات و ارتباط جرم با شخصیت فرد، نظریه پردازی کرده است. هدف اصلی وی از تحلیل تحولات مجازات در غرب، نشان دادن ظهور شکلی نوین از کنترل جامعه بوده است.

۴-۱ عقلانی شدن مجازات

از نگاه وبر، عقلانی شدن عبارت است از سامان دادن زندگی اجتماعی بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان با ابزارهای در دسترس به منظور تحصیل کارایی و بازده بیشتر (فروند، ۱۳۸۳: ۱۷). مهمترین ویژگی عقلانیت در اندیشه وبر این است که در جامعه معاصر، نگرش‌های علمی و تکنیکی بر معارف و ارزش‌های انسانی غلب کرده است. ازاینرو، بشر بدون توجه به غایت اعمال خود به سرعت در حال پیشروی است. ویژگی دیگر، ابزاری شدن عقلانیت است. به سخن دیگر، ملاحظات مربوط به چگونگی به کارگیری ابزار موجود در جهت کسب اهداف مطلوب، وجه غالب کنش افراد است (منوچهری، ۱۳۹۸: ۸). وبر معتقد بود که تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی، اعم از اقتصاد، حقوق، دیوان سالاری و حتی مذهب، عقلانی شده است. همچنین رفتار آدمی نیز در معرض عقلانی شدن قرار دارد. دیگر سنتی وجود ندارد، همه چیز فنی و پیش بینی شده است (آرون، ۱۳۶۳: ۱۹).

۴-۲ تساوی مجازات‌ها

در ابتدا به نظر می‌رسد اصل فردی کردن مجازات‌ها در واقع یک استثنا یا رد کلی اصل تساوی مجازات‌ها باشد. زیرا تبعیض در مجازات مجرمین به لحاظ تفاوت‌های فردی و لزوم برخورد متناسب با آنها که اصل فردی کردن مجازات‌ها را بر این اساس استوار نموده است اساساً با اصل تساوی مجازات‌ها مغایرت دارد. اینکه قاضی می‌تواند با توجه به خصوصیات و شرایط مختلف مجرمین تصمیمات قضایی متفاوتی اتخاذ نماید و مجرمینی که مرتکب جرم واحد شده‌اند را یکی به حداقل و دیگری را به حداکثر مجازات محکوم نماید. یکی تمام مدت مجازات خود را در زندان سپری کند و دیگری که مرتکب همان جرم شده است را به طور مشروط آزاد نماید، از آثار فردی کردن کیفرهاست و ظاهراً با اصل تساوی مجازات‌ها که اعمال کیفر را برای همه مجرمینی که مرتکب یک نوع جرم شده‌اند به طور مساوی خواستار است سازگار نمی‌باشد.

اما با توجه به اینکه فردی کردن مجازات‌ها به خاطر دارا بودن قصد مجرمانه، شرایط و نیازهای جسمی، روانی، و اجتماعی و .. مختلف مجرمین است حال اگر تصور کنیم دو مجرمی را که مرتکب یک نوع جرم شده‌اند قصد مجرمانه و سایر اوضاع و احوال ارتکاب جرم، شخصیت اجتماعی و .. آنها به موازات هم و در یک طبقه واقع باشند در اینجا صدور حکم مجازات متفاوت نه تنها بر خلاف عدالت قضایی است بلکه با مبانی و فلسفه اصل فردی کردن مجازات‌ها نیز تعارض دارد. با این فرض و استدلال می‌توان به عدم مغایرت و امکان اجتماع اصل فردی کردن مجازات‌ها و اصل تساوی مجازات‌ها حکم داد. چه اینکه در حقوق کیفری ما که از نظام مجازات‌های معین تبعیت نموده است به قاضی اختیار داده شده تا بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی مجازاتی مناسب تر به حال بزهکار انتخاب نماید. لذا قادر به فردی کردن کیفرها به طور مطلق نبوده و خواسته در شرایط نسبتاً مساوی احکام مشابهی

از دادگاه‌ها صادر شود. اما چون بحث ما در این پژوهش ضمن اثبات تفاوت‌های فردی و لزوم برخورد متفاوت با اشخاص مختلف و تأثیر عوامل مختلفه در ارتکاب جرم این نکته است که کمتر پیش می‌آید دو مجرم در همه شرایط و اوضاع و احوال شخصی و اجتماعی با یکدیگر یکسان باشند. بنابراین فردی کردن کیفرها استثنایی است بر تساوی کیفرها.

۴-۳ شخصی بودن مجازات‌ها

بنا به اصل شخصی بودن مجازات‌ها کیفر باید تنها شامل حال مرتکب جرم شود تا بستگان مجرم از گزند ناشی از مجازات مصون بمانند. حال به منظور اجرای دقیق این اصل باید مجازاتی مورد حکم واقع شود که واجد این خصوصیت باشد. بدیهی است هر قدر هم مجازات حساب شده تقنین و اجرا شود عموماً در شخص مجرم خلاصه نشده و جمعی بی‌گناه را خواسته یا ناخواسته از آثار آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم متضرر و متأثر می‌نماید. به این سبب برخی از حقوقدانان معتقدند مقنن در رفع مجازات باید کاملاً دقت کند یک نوع مجازات‌هایی را وضع نکند که آثار آن در خارج از حدود آن قابل بسط باشد.^۱ بنابراین وقتی مقنن در تعیین نوع و میزان مجازات نهایت دقت و احتیاط را معمول داشته است و قاضی هم در مقام دادرسی، آن را کاملاً با شرایط فردی و اجتماعی بزهکار متناسب نماید هر دو به اهداف شخصی بودن مجازات‌ها نایل آمده‌اند. این جاست که می‌توان به ارتباط نزدیک اصل فردی کردن و شخصی بودن مجازات‌ها اشاره نمود و حتی اصل فردی کردن مجازات‌ها را یکی از شروط اساسی و ضروری اصل شخصی بودن مجازات‌ها مطرح نموده و از اصول شخصی بودن مجازات‌ها به عنوان یکی از آثار اصل فردی کردن مجازات‌ها نام برد.

۴-۴ مقاومت در برابر قدرت

مفهوم قدرت در نگاه فوکو متفاوت با آن چیزی است که در نظریه‌های سیاسی و اجتماعی متعارف بیان می‌شود. قدرت در اندیشه او نه محصول به کارگیری زور و خشونت، بلکه راهبردی پیچیده و ناشی از اعمال تاکتیک‌ها و مانورهایی است که در جامعه اعمال می‌شود. از این منظر، هر جا که نوعی تأثیر و نفوذ در مناسبات انسانی وجود دارد، قدرت هم هست. در مدرسه، دانشگاه، کارخانه، پادگان، زندان و ... می‌توان آن را ردیابی کرد. در جوامع مدرن استراتژیک حاکم این است که این ریزقدرت‌ها در قالب راهبردهای متنوع اعمال شوند. هدف نهایی، ساختن انسانهای مطیع است که هم زمان هم محصول قدرت و هم چرخنده‌های قدرت باشند (جوان جعفری، ۱۳۹۱: ۱۰۹). در حالی که رابطه قدرت با دو عنصر در پیوند است، نخست «دیگری» (آن کس که قدرت بر وی اعمال می‌شود)، کسی که به منزله سوژه کنش‌گر پذیرفته شود و دوم اینکه در برابر رابطه قدرت حوزه متنوعی از پاسخ‌ها، واکنش‌ها، اثرها و ابتکارات ممکن است گشوده شود (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۲۶). بدین سان، قدرت فقط بر سوژه‌های آزاد و از آن حیث که آزادند اعمال می‌شود. منظور سوژه‌های فردی یا جمعی است که از امکان‌های متعددی همچون انجام واکنش‌های گوناگون در برابر رابطه قدرت برخوردار باشند. پس هر جا که رابطه‌ای قطعی و یک‌سویه باشد، رابطه قدرت وجود ندارد، مانند جایی که فرد در غل و زنجیر است (فوکو، همان: ۴۲۷).

بنابراین در سازوکار فردی سازی مجازات، کنش میان قانون‌گذاران و محکومان در بند در رابطه قدرت جای نمی‌گیرد، زیرا محکومان در راهروی دادگاه‌ها و زندان‌ها به طور معمول از امکان مقاومت-مگر در حد شورش در زندان- برخوردار نیستند.

۵- موانع فردی سازی مجازات طبق جامعه‌شناسی سیاسی کشور

به منظور پی بردن به زوایای شخصیت متهم یا مجرم، تشکیل پرونده‌ای تحت عنوان پرونده شناسایی شخصیت در کنار پرونده قضایی، از ضروریات یک دادرسی کیفری عادلانه محسوب می‌شود، تا مقام قضایی با مراجعه به آن پرونده و اشراف بر

^۱ - پرفسور گاور، منبع پیشین ص ۱۶

ابعاد مختلف شخصیت بزهکار بتواند در راستای فردی کردن رسیدگی های کیفری و تصمیم های قضایی، عادلانه ترین تصمیم را جهت اصلاح و بازسازی و تنبیه مجرم اتخاذ کند. با این وجود در سیستم جامعه شناسی سیاسی و حقوقی ایران دشواری هایی در مسیر اجرایی این طرح مترقی جرم شناسی (شناسایی شخصیت متهم یا مجرم، تشکیل پرونده شناسایی شخصیت و نهایتاً اتخاذ تصمیم و پیشنهاد در خصوص متهم یا مجرم بر اساس آن) وجود دارد که در این نوشتار به مهم ترین آن ها اشاره خواهیم کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

۵-۱ موانع قانونی

اولین مانعی که در سر راه تشکیل پرونده شخصیت وجود دارد نداشتن الزام قانونی به تشکیل این پرونده است. از جمله «در سالهای منتهی به انقلاب در یکی از لوایح آیین دادرسی کیفری تشکیل پرونده مذکور در امور جنایی پیش بینی شده بود که آن نیز به علت معوق ماندن رسیدگی به لایحه مذکور منتفی شد» (آشوری، ۱۳۸۲: ۱۹۴). بسیاری از قوانین ممالک مختلف (حتی کشورهای کمونیست) که پس از جنگ دوم بین الملل از تصویب گذشته، لزوم تشکیل چنین پرونده ای را پیش بینی کرده اند که از آن جمله می توان قانون ۱۹۴۷ ایالت میشیگان، قوانین سال ۱۹۴۹ ایالت کلرادو و نیویورک در آمریکا، قانون جزای بلغارستان، قانون جزای یوگسلاوی، قانون ۱۹۵۸ فرانسه (ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری) و... را نام برد. در سیستم حقوقی ایران در مواردی مانند:

- تشخیص بیم تجری مرتکب به منظور اعمال مجازات تعزیری، در مواردی مثل ماده ۶۱۴ ق.م.ا.
- تشخیص مجازات مناسب تر به حال متهم جهت اعمال کیفیات مخفیه.
- تشخیص حالت خطرناک مجنون به منظور نگهداری وی در محل مناسب تا رفع حالت خطرناک (ماده ۱۵۰ ق.م.ا)
- تشخیص حالت خطرناک مجرمین به منظور اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص آنها. (ماده قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹).

- تشخیص درجه خطرناکی مجرمین به منظور تشخیص نیاز یا عدم نیاز به نگهداری یا معالجه آنان در بیمارستان مجرمین (ماده ۴ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹) بررسی و تحقیق پیرامون ابعاد شخصیت متهم یا مجرم توسط شخص قاضی و یا ضابطان دادگستری، آن هم ضمن پرونده کیفری به صورت بسیار محدود انجام می شود، اما قانونگذار در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب جرم و دادرسی به معنای اخص که همان صدور حکم است، پرونده ای تحت عنوان پرونده شناسایی شخصیت به طور مستقل و جدا از پرونده کیفری پیش بینی نکرده و با بی تفاوتی کامل از گذشته است (آشوری، ۱۳۸۲: ۱۹۴). با این وجود با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری لزوم تشکیل پرونده شخصیت در برخی از جرایم مهم پیش بینی شده است که می توان گفت قانونگذار بالاخره در مرحله تحقیقات مقدماتی لزوم تشکیل این پرونده را مورد شناسایی قرار داده است. ولی در حال حاضر تنها در یک مورد قانونگذار مسئله شناسایی شخصیت مجرم را آن هم در خصوص اطفال بزهکار، در ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷ پیش بینی کرده که آن نیز در اختیار دادگاه نهاده شده است.^۲

در حقوق ایران تنها در مرحله اجرای مجازات حبس به منظور شناسایی زندانیان و طبقه بندی آنان تشکیل پرونده شخصیت پیش بینی شده است.

ماده ۶۴ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴/۹/۲ مقرر می دارد: «محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایشات پزشکی روانپزشکی، آزمون های روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار

^۲ ماده ۲۲۲: «چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد، دادگاه می تواند به هر وسیله ای که مقتضی بداند، آن را انجام دهد».

گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی، معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می‌گردد. کلیه گزارش‌های متخصصان در پرونده او متمرکز می‌شوند تا در شورای طبقه بندی مطرح شود.»

ماده ۴۰ هم مقرر می‌دارد: «روانشناسان زندان و مراکز حرفه آموزشی و اشتغال موظف اند با همکاری مددکاران و بخش معاونت بازپروری و ملاحظه پرونده شخصیتی محکومان، ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاری‌های روانی آنان مراتب را به شورای طبقه بندی اعلام و اقدام لازم را برای ایجاد سازگاری و در صورت لزوم درمان آنان به عمل آورند.» همان طور که ملاحظه می‌کنیم در نظام حقوقی ایران بررسی پیرامون شخصیت متهم در مراحل پنجگانه دادرسی به طور ضمنی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است اما تنها در مرحله نهایی یعنی اجرای حکم است که تشکیل پرونده شناسایی شخصیت الزامی گردیده است در حالی که وجود پرونده مذکور در تمامی مراحل دادرسی کیفری با استفاده از تحقیقات و نظریات متخصصین فنی پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی کیفری، جرم‌شناسی، علوم مذهبی و... ضروری و لازم به شمار می‌رود و تنها از این طریق است که امر تشخیص یعنی کشف ارتباط میان ساختمان فکری مجرم و رشد عاطفی و زیستی او و جرم ارتكابی امکان پذیر می‌گردد و متعاقب آن است که شناسایی عوامل جرم‌زا و نحوه برخورد با آن‌ها محقق خواهد شد. به همین دلیل همان طور که گفته شد قانونگذار ایران در مرحله تحقیقات لزوم ایجاد این پرونده را در قانون آیین دادرسی کیفری که اخیراً هم به تصویب رسیده است پیش بینی کرده است و قدمی رو به جلو در این مورد برداشته است. در ماده ۲۰۳ این قانون آمده است: «در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهارم و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید...».

۵-۲ موانع قضایی

علاوه بر موانع قانونی که بر سر راه تشکیل پرونده شخصیت است و در قسمت قبل به بررسی آنها پرداختیم. دسته ای دیگر از موانع وجود دارند که مرتبط با قوه قضاییه و دادگاهها و به خصوص قضات کیفری می‌باشند در ادامه، این دسته از عوامل قضایی را که سد راه تشکیل پرونده شناسایی شخصیت می‌شوند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۲-۱ ضعف آموزشی

در کشور ایران و به موجب قانون شرط لازم برای ورود فرد به منصب قضاوت داشتن مدرک کارشناسی در رشته حقوق یا علوم قضایی می‌باشد. این در حالی است که از ۱۳۶-۱۴۴ واحد درسی این دوره تحصیلی تنها معادل ۲ واحد مباحث جرم‌شناسی تدریس می‌گردد. با توجه به این موضوع، دور از عقل و منطق نیست که قضات محاکم کیفری دارای این نوع مدرک تحصیلی و با این سابقه آموزشی ناآشنا با اصول مدیریت دادرسی جزایی (در زمینه اصلاح مجرمین) و به خصوص اصل فردی کردن تصمیمات قضایی باشند؛ با این حال در سالهای گذشته قدم‌های روبه جلوی در این زمینه بهبود این وضعیت برداشته شده و دانشگاه علوم قضایی و خدمات دادگستری با ایجاد رشته‌های جدید از جمله مدیریت دادرسی اطفال به لزوم توجه به تشکیل پرونده شخصیت همت گماشته است. از سوی دیگر خوشبختانه در سالهای اخیر در پی جذب قضات از بین فارغ التحصیلان دانشگاهی به این امر توجه شده است و اداره گزینش قضات قوه قضاییه در پی سیاست نخبه‌گزینی اقدام به استخدام فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری به خصوص در گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی نموده است که آشنایی بیشتری با مباحث جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی دارند.

با این وجود طبق تحقیقی که یکی از پژوهشگران در رابطه با میزان آشنایی قضات ما با پرونده شخصیت انجام داده نتایج زیر بدست آمده که نشان از ضعف آموزش در رابطه با ضرورت تشکیل پرونده شخصیت دارد. طبق این تحقیق که طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۷۸ در دادسراها و محاکم کیفری و کارگاه های آموزشی معاونت آموزش قوه قضاییه کشورمان به دست آمده است، نشان می دهد که: «از بین ۳۰۰ نفر قضات دادسرا، دادگاههای کیفری و کارآموزان قضایی تنها ۹۵ نفر با اصطلاح «پرونده شناسایی شخصیت» آشنایی داشته اند (یعنی ۳۱/۶۶ درصد) و از همان تعداد فقط ۵۰ نفر به طور تخصصی نسبت به این پرونده و محتویات آن آگاهی داشته اند (یعنی ۱۶/۶۶ درصد) حال آنکه از بین ۱۳۰ نفر از قضات محاکم کیفری تنها ۳۲ نفر از آنها (۶۱/۲۴ درصد) زمان صدور حکم نوع شخصیت مجرم را در نوع تصمیم قضایی خود (نوع و میزان مجازات) مؤثر می دانسته اند. یعنی اکثر قضات محاکم کیفری هنگام محاکمه و تعیین مجازات نگاهشان فقط متوجه نوع و شدت جرم ارتكابی از سوی مجرم است و توجهی به «شخصیت» خود مجرم ندارند» (آشوری، ۱۳۸۲: ۱۹۴). بنابراین همان طور که از این آمار روشن است یکی از موانع عملیاتی شدن پرونده شخصیت ضعف آموزشی و عدم آگاهی حقوقدانان و قضات محاکم کیفری نسبت به این نهاد است.

۵-۲-۲ انتصاب های کارشناسی نشده و غیر علمی

کشورهای پیشرفته و صنعتی در تمامی امور خود اصل تخصصی کردن امور را مدنظر قرار می دهند، و هر فردی را با توجه به تخصصی که در آن تحصیل کرده است به کار می گیرند در امور قضایی نیز این قاعده و اصول رعایت می شود علاوه بر این که در این کشورها دادسراها تخصصی هستند و برای رسیدگی به هر دسته از جرایم محاکم و دادسراهای ویژه با افراد و قضاتی که در آن زمینه تخصص دارند تشکیل می دهند. برای مثال در این کشورها محاکم به شعب حقوقی و جزایی و بعضی شعب جزایی را به رسیدگی به جرایم خاص اختصاص می دهند. اما با کمال تأسف در کشور عزیز ما ایران علی رغم اینکه قانونگذار بر تخصصی کردن رسیدگی های قضایی در انتخاب قضات دادسراها و محاکم نه تنها قاعده خاصی جهت تخصصی کردن انتصاب ها اعمال نمی گردد، بلکه کارآموزان قضایی پس از طی دوره کارآموزی عمومی به طور غیر کارشناسی و بدون هیچ گونه آموزش تخصصی تقسیم می شوند. برای مثال فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی که به دوره کارآموزی وارد می شدند پس از گذراندن این دوره وارد دادسراها می شدند که برخلاف تخصص آنها بوده و در دادسراها بیشتر به امور جزایی رسیدگی می شود تا امور حقوقی صرف.

۵-۳ موانع اجرایی

همانطور که در دو بخش قبلی روشن شد دو دسته از عوامل که دسته اول موانع قانونی و دسته دوم موانع قضایی بودند سد راه تشکیل این پرونده در فرایند رسیدگی کیفری می شدند، علاوه بر این دو دسته از عوامل در مرحله اجرا نیز موانعی برای تشکیل پرونده شخصیت وجود دارد که در ادامه به آنها می پردازیم.

۵-۳-۱ کمبود اعتبارات مالی

لازمه اجرای دقیق و بهینه مباحث پیش گفته و تشکیل پرونده شناسایی شخصیت وجود امکانات مالی می باشد. همان طور که متذکر شدیم، پرونده شناسایی شخصیت پرونده ای است در کنار پرونده قضایی که محتوای آن گزارش نتیجه آزمایش های گوناگون پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی، اجتماعی و... در خصوص متهم یا مجرم از سوی متخصصین جهت فردی کردن تصمیمات قضایی می باشد؛ اجرای این طرح مستلزم تخصیص بودجه مناسب مالی از سوی دستگاه اجرایی است.

اعمال بهینه نهادهای مترقی حقوق جزا (تعلیق تعقیب، تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط، مجازات های تکمیلی و ترمیمی، زندان باز، زندان نیمه باز، مجازات های جایگزین حبس، تشکیل پرونده شخصیت برای متهمین و مجرمین در مراحل تعقیب، تحقیق و

صدور حکم و اجرای حکم و ... نیاز به امکانات مالی وسیع دارد؛ استفاده از متخصصین در علوم مختلف جهت بررسی ابعاد شخصیتی بزهکار بدون تخصیص امکانات مالی امکان پذیر نمی باشد. با این حال در کشور ما قوه قضاییه هر ساله با کسری بودجه روبه رو است، و با این وضع نمی توان از قوه قضاییه انتظار داشت در این خصوص اقدام مناسب را انجام دهد، و پرونده شخصیت برای تک تک مجرمین یا متهمین با جلب نظر کارشناسان متخصص تشکیل دهد، به تعداد مناسب جهت کاهش پرونده ارجاعی به مقامات قضایی نیروی انسانی جذب کند (هر چند با توجه به قانون پنجم توسعه در حال حاضر قوه قضاییه اقدام به جذب گسترده قضات کرده و از سال ۸۹ تا به امروز هر ساله تعداد چند صد نفر از فارغ التحصیلان حقوق را جذب نموده است). تا قاضی با اختصاص وقت مناسب به پرونده مطروحه رسیدگی نماید، آزمایشگاه‌های مجهز به فناوری پیشرفته جهت بررسی ابعاد گوناگون شخصیت متهم ایجاد نماید و ... در حالی که این قوه هر سال حتی برای پرداخت حقوق قضات و کارمندان خود نیز با کسری بودجه مواجه است (آشوری، ۱۳۸۲: ۱۹۰). بنابراین یکی از موانع اصلی در راه تشکیل پرونده شناسایی شخصیت در کنار پرونده قضایی نبود امکانات مالی و بودجه مناسب در قوه قضاییه است.

۵-۳-۲ نبود آزمایشگاه‌های مجهز به تکنولوژی روز و افراد متخصص

برای تشکیل پرونده شخصیت همان طور که قبلاً نیز گفته شد نیازمند متخصصان مختلف از رشته‌های گوناگون از جمله روانشناس، جرم‌شناس، روان‌پزشک، جامعه‌شناس و ... هستیم. متأسفانه در کشور با کمبود متخصصین امر و نیز عدم وجود متخصص در تمام نقاط کشور روبرو هستیم. علاوه بر این نبود آزمایشگاه‌های مجهز در تمام نقاط کشور یکی دیگر از موانع اجرایی پرونده شخصیت است.

۶- شيوه‌های نوین و نوآوری‌های فردی سازی مجازات بر طبق جامعه‌شناسی سیاسی

۶-۱ تشکیل پرونده شخصیت برای مجرمین

پرونده شخصیت که ضرورت تشکیل آن در رسیدگی‌های کیفری از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته و در کنفرانس‌های بین‌المللی حقوق جزا مورد تأکید و مورد بحث بوده پرونده‌ای است که در کنار پرونده کیفری که در برگیرنده کیفیت و نحوه عمل مجرمانه است؛ تشکیل می‌شود. در واقع در محاکمه‌ای که مکتب دفاع اجتماعی توصیف کرده است قاضی محکمه با توجه به دو پرونده در مسند قضایی می‌نشیند. یکی از این پرونده‌ها، پرونده عمل مجرمانه است. یعنی حاوی توصیف و تشریح کیفیت ارتکاب جرم، آلات و ادوات جرم و پرونده دیگر، متضمن بررسی‌های مربوط به وضع جسمانی و زیستی و بیولوژیک شخص و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وضع شخص، چه از نظر اجتماعی و چه از نظر فرهنگی و تعلیم و تربیت متهم است. و به تعبیری شناسنامه متهم می‌باشد که او را در پشت میز محاکمه آن طور که هست نه آن طور که می‌نماید؛ معرفی می‌کند. در بسیاری از کشورها اروپایی و حتی آمریکایی در قوانین جزایی که به تصویب رسانده‌اند لزوم تشکیل چنین پرونده‌ای مورد تأیید قرار گرفته است. در فرانسه نیز به سال (۱۹۵۸) در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری و در قوانین کیفری قبل از انقلاب ما نیز که مربوط به آیین دادرسی می‌باشند نیز ضرورت تشکیل چنین پرونده‌ای در کنار پرونده کیفری مورد تأکید قرار گرفته است.

۴-۱-۱ در مرحله قضاوت (قضایی)

بیشترین کارایی نتایج حاصله از تشکیل پرونده شخصیت در مرحله قضایی می‌باشد. چون در این مرحله است که قاضی کیفری باید با ملاحظه نظرات کارشناسان علوم مختلف، در ابتدا میزان مسئولیت کیفری مجرم را مشخص نماید و در ثانی مجازات مناسب با شخصیت واقعی وی را تعیین نماید.

مکتب دفاع اجتماعی نوین با تاکید و تکیه بر ضرورت وجود مسئولیت، توضیح می دهد که مسئولیت، واقعیتی است که باید همیشه مورد توجه قرار گیرد. ولی طریق و هدف از احراز مسئولیت در این مکتب متفاوت از مکاتب دیگر است. مسئولیت دفاع اجتماعی، فقط ناظر و منحصر به واقعیت های زمان ارتکاب جرم نمی باشد، بلکه کشف واقعیت های گذشته و حال و آینده است که میتوان بر مبنای آن واقعیت ها، برای اصلاح و آینده سازی او برنامه ریزی کرد. این شناسایی و معرفت به مسئولیت فرد در گروه شناسایی شخصیت و منش افراد است. پرونده شخصیت، مرجع و منبع تحصیل یک چنین اطلاعاتی باید باشد. بعد از اینکه قاضی در پرونده مطروحه با توجه به پرونده شخصیت، مسئولیت کیفری را متوجه اراده آزاد مجرم دانست و میزان آنرا مشخص کرد؛ در مرحله بعد باید مجازات مناسب شخصیت واقعی مجرم را بیابد به نحوی که بتواند وی را اصلاح و جامعه پذیر کند یا در صورت لزوم، مجازات مجرم را معلق نماید یا در صورت وجود حالت خطرناک در مجرم، اقدام به تعیین اقدامات تامینی و تربیتی مناسب نماید. مجازات چه معلق بماند و چه اجرا شود، در هر صورت باید نتیجه ای باشد که قاضی کیفری از ملاحظه پرونده شخصیت و ارزیابی نظریات کارشناسان علوم مختلف به دست می آورد. قاضی می تواند با ملاحظه پرونده مجرم راه میانه را برگزیند و در صورتی که مجرم نه شایستگی تعلیق دارد و نه جرم او در حدی است که مجازات اصلی را برای وی تعیین نماید می تواند مجازات را آنقدر تخفیف دهد که با شخصیت واقعی مجرم همساز شود. در واقع فرایندی که طی می شود تا مجازات مجرم با شخصیت واقعی وی هماهنگ شود؛ فرایند فرد سازی مجازات نامیده می شود. در صورتی که این فرایند به درستی طی شود و عدالت کیفری در مورد مجرم اجرا شود بدون شک هم باعث اصلاح مجرم و هم به تبع آن مانع تکرار جرم می شود و هم دفاع جامعه در مقابل مجرمین خطرناک تامین خواهد شد. مهمترین آثار اجرایی که می توان آن ها را اناشی از تشکیل پرونده شخصیت ذکر کرد برقراری عدالت کیفری یا ایجاد زمینه های آن است که این عدالت در نتیجه شناسایی شخصیت واقعی مجرم و فردی کردن مجازات، توسط قاضی کیفری، حاصل می شود. به تبع آن اصلاح حال مجرمین، کاهش جرایم در جامعه، بازپروری مجرمین، کاهش آمار زندانیان، صرفه اقتصادی دولت و احساس حس عدالت در مردم را از نتایج آن می توان نام برد.

۶-۱-۲ در مرحله اجرای حکم

در مباحث پیشین بیان کردیم که هدف از اجرای مجازات ها از تحمیل عذاب و شکنجه به مجرم تغییر پیدا کرده و هدف ارشادی، تربیتی به خود گرفته است. به اقتضای این تغییر، در هدف و رسالت حقوق کیفری، محل اجرای مجازات ها نیز که قبلا زندان هایی با دخمه هایی تنگ و تاریک و فاقد هر گونه امکان رفاهی و بهداشتی بود به ساختمان های مجهز و مهیا با امکانات ضروری فردی، تغییر پیدا کرده است.

با وجود تمام این تغییرات و پیشرفت هایی که در سیستم اجرای مجازات زندان پیش آمده باز عدالت کیفری تامین نمی شود و لزوم توجه به تفاوت های فردی و تفاوت در جرایم ارتكابی مجرمین زندانی و تفاوت در میزان خطری که از جانب آنان جامعه را تهدید می کند؛ لازم است که رفتار و کردار زندانیان در زندان لحاظ شود و در صورتی که فرد زندانی در شرایطی قرار گرفت که نیازی به ادامه حبس وی نباشد، زمینه های آزادی وی فراهم شود. بدین جهت، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت برای زندانی احساس می شود. پس لازم است که افرادی که حکم مجازات آنها صادر می شود و وارد زندان می شوند برایشان پرونده شخصیت تشکیل شود و آنها از لحاظ سلامت، اخلاق، رفتار و... مورد شناسایی قرار گیرند و مدارک آنها در پرونده زندانشان بایگانی شود و علاوه بر آن حسن اخلاق و سلوک آنها نیز در این پرونده ثبت شود. تشکیل پرونده شخصیت در این مرحله می تواند آثار بسیار مثبتی همراه داشته باشد.

آثار اجرایی آن در ابتدا به این صورت است که زندانیان بر اساس جنسیت، سن، وضع سلامتی و روانی، از هم تفکیک می شوند یا تفکیک بر اساس نوع جرائم ارتكابی و مدت محکومیت، صورت می گیرد. این به این معنی است که بیماران روانی که نیاز به مراقبت

های ویژه ای دارند در سلول های جداگانه نگهداری می شوند تا هم بهتر مراقبت شوند و هم بقیه زندانیان در آسایش بهتر به سر برند.

یا معتادین به مواد مخدر و الکل از بقیه محکومین جداسازی می شوند تا دیگران تحت تاثیر آنها قرار نگیرند و آلوده نشوند. یا زندانیان محکوم به جرایم مالی از مابقی زندانیان جداسازی می شوند تا آثار سوء ناشی از اختلاط باعث مجرمیت آنها نشود. یا مجرمین سیاسی که بر اساس اعتقاد و حس انسانیت خود در زندان به سر می برند از بقیه مجرمین جداسازی می شوند تا آلوده به جرائم دیگر نشوند. چون رسالت اصلی زندان در عصر حاضر، انتقام یا تعذیب زندانی نیست، بلکه هدف اصلاح و بازپروری مجرم زندانی می باشد.

۶-۱-۳ در مرحله پس از اجرای حکم

رسالت حقوق کیفری در پشت در دادگاه ها یا پشت میله های زندان تمام نمی شود. بلکه باید گفت؛ فردای روزی که مجازات مجرم به پایان می رسد. روز اعلام نتیجه تلاش متصدیان و تلاش گران حقوق کیفری است. باید دید که آیا تلاش بانیان حقوق کیفری به نتیجه مثبتی انجامیده است یا نه؟ آیا هزینه های صرف شده به اصلاح و بازپروری مجرم انجامیده است یا نه؟ آیا برنامه های اعمال شده در زندان صحیح بوده یا نه؟ آیا مجرم یا زندانی آمادگی برگشت به آغوش خانواده و جامعه را دارد یا نه؟

در اکثر کشورهای دنیا، قوانین از زندانیان بعد از خروج از زندان حمایت می نمایند. با تشکیل سازمان های حمایتی تلاش می کنند تا با فراهم نمودن شغل مناسب و درآمد کافی از زندانیان حمایت نمایند. در ایران نیز آیین نامه امور زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جمهوری اسلامی طی موادی (۶۰۸-۶۰۵) از مراکز مراقبت بعد از خروج از زندان صحبت کرده است و مواد (۲۵۶ و ۲۵۷) (برای آماده نمودن زندانیان برای بازگشت به محیط خارج از زندان، شرایطی را پیش بینی نموده است.

پرونده شخصیت، این امکان را فراهم می سازد که استعداد های فرد شناخته شود و به فراخور استعداد فرد، حرفه ای آموخته شود یا آموزشی داده شود و گرنه سعی و تلاش در آموزش شخصی که استعداد کارهای فنی را ندارد کاری عبث و بیهوده خواهد بود و اطلاعاتی که ما را به این موضوع راهنمایی می کند در پرونده شخصیت، موجود خواهد بود و حتی پس از ترخیص از زندان نیز، باید گزارش های مددکاران اجتماعی در مورد مددجویان، در پرونده شخصیت آنها بایگانی شود.

مهمترین آثار اجرایی که تشکیل پرونده شخصیت پس از اجرای حکم و آزادی زندانی دارد این است که زندانی به حال خود رها نشده و طبق آموزشی که زندانی در زندان، بر اساس استعداد خود دیده است مشغول به کار شده و با مراقبت دائمی و ویژه از زندانی توسط مددکاران اجتماعی، مانع از ان می شود که وی، مجددا مرتکب جرم شود. چون در صورتی که زندانی حمایت نشود جامعه وی را نخواهد پذیرفت. چون او به محیط زندان عادت کرده است، دست به ارتکاب جرم زده و مجددا به محیط زندان بر می گردد.

ولی پرونده شخصیت باعث می شود که وی همیشه تحت مراقبت بوده و در صورت نیاز به کمک، از طرف مددکاران اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد. به طور خلاصه می توان گفت که این پرونده، در این مرحله باعث ادامه فرایند اصلاح مجرم و مانع تکرار جرم می شود.

۷- شیوه های فردی کردن مجازات ها بر طبق جامعه شناسی سیاسی

این مرحله در واقع مرحله قانون گذاری می باشد. قانون گذار با در نظر گرفتن شرایط خاص چه در ارتباط با مجرم یا حتی خود جرم، مجازات را فردی می نماید. از همان ابتدا مشخص می نماید که اگر افراد در شرایط خاص یا به وسایل خاص یا در مواقع خاص دست به ارتکاب جرم بزنند مجازات آنها با بقیه افراد متفاوت خواهد بود. قانون گذار در این مرحله از فردی کردن، از دو شیوه تبعیت نموده است که ما به شناسایی هر کدام از آنها در ارتباط با فردی کردن مجازات ها می پردازیم. اما در ابتدا به شناسایی

موجباتی که قانون گذار را وادار به فردی کردن مجازات‌ها می‌نماید؛ می‌پردازیم و سپس موضوع را تحت عنوان شیوه‌های تقنینی مجازات‌ها ادامه می‌دهیم.

۷-۱ به اعتبار خصوصیات فردی مجرم یا زیان دیده از جرم

قانون گذار در مرحله تعیین مجازات‌ها، عوامل فردی مجرم را در نظر می‌گیرد. عواملی چون سن، جنس، میزان سلامت عقل، مذهب و با توجه به همه این امور، اقدام به تعیین مجازات‌های متفاوت با توجه به تفاوت‌های فردی و میزان قدرت بدنی و مسئولیت کیفری می‌پردازد.

عواملی چون شغل، وضع خاص متهم یا سابقه او، اقدامات یا کوشش‌های متهم پس از ارتکاب جرم، سمت، یا مأموریت دولتی یا غیره می‌توانند انگیزه قانون گذار، در تعیین میزان جرائم واقع شوند یا در صورتی که مجرم، جرمش را در شرایط اضطراری یا اجبار و اگر انجام داده باشد قانون گذار با توجه به شرایط خاص، یا او را معاف از مجازات نموده یا در مجازات وی، تخفیف قائل می‌شود.

۷-۲ به اعتبار موقعیت و ابزار وقوع جرم

قانون گذار، گاهی مواقع، مکان و زمان ارتکاب جرم یا آلات و ادواتی که در ارتکاب جرم به کار رفته را در تعیین میزان مجازات، تاثیر داده است. مانند ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی. (زنا در زمان‌های متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکان‌های شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعذیر است).

۷-۳ به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی

قانون گذار، گاهی مواقع، در تعیین مجازات، به اعتبار اینکه جرائم علیه اشخاص باشد یا علیه اموال یا امنیت و آسایش عمومی باشد مجازات‌ها را فردی نموده و این عوامل را در میزان مجازات‌ها تاثیر داده است و برای جرائمی که در زمان جنگ انجام شوند مجازات‌های سنگین تری تعیین نموده است.

نتیجه گیری

جامعه‌شناسی سیاسی به‌طور کلاسیک به بررسی روابط میان حکومت و جامعه در چارچوب دولت-ملت مدرن می‌پردازد و واحد تحلیل آن، جامعه‌ای است که حول محور این ساختار سازمان یافته است. اما با ظهور پدیده جهانی شدن و تضعیف دولت-ملت، این رشته دستخوش تحولات عمیقی شده است. جهانی شدن در عرصه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ، قدرت دولت-ملت را در بسیاری از زمینه‌ها کاهش داده و نگاه کلاسیک جامعه‌شناسی سیاسی را که بر محوریت دولت-ملت استوار بود، ناکافی جلوه داده است. در این شرایط، جامعه‌شناسی سیاسی جدید به دنبال تحلیل روابط قدرت و تعاملات اجتماعی در بستری فراتر از مرزهای ملی است و بر این باور است که دستیابی به اهداف والای اجتماعی، مانند عدالت و اصلاح، فرایندی خودبه‌خودی نیست، بلکه نیازمند اراده جمعی، آگاهی اجتماعی و همکاری میان دولت و ملت است. این همکاری بهینه میان دولت و ملت، به‌عنوان دو قطب اصلی جامعه، مستلزم وجود ابزارها، تشکلهای و افرادی واسط است که این دو را به‌خوبی به هم متصل کنند و از تقابل یا فاصله‌گیری بیش از حد آنها جلوگیری نمایند. در چنین بستری، تقویت اصل فردی‌سازی مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق این تعامل سازنده مورد توجه قرار گیرد، زیرا این اصل نه‌تنها به اصلاح فرد بزهکار کمک می‌کند، بلکه به بازسازی رابطه میان فرد و جامعه در چارچوب نظام سیاسی منجر می‌شود.

اصل فردی‌سازی مجازات‌ها یا «تفرید کیفری» که در حقوق کیفری مدرن جایگاهی ویژه دارد، به معنای تطبیق مجازات با ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی مجرم و شرایط جرم است. این رویکرد، که ریشه در اندیشه‌های عدالت‌خواهانه دو سه قرن اخیر دارد، در پی آن است که مجازات‌ها عادلانه‌تر و انسانی‌تر شوند و به جای رویکردی یکسان و مکانیکی، به اصلاح و بازپروری

بزهکار منجر گردند. با نگاهی به متون تاریخی و قوانین عهد باستان، می‌توان نشانه‌هایی از گرایش گذشتگان به این اصل را مشاهده کرد که مبتنی بر فلسفه اصالت فرد و جامعه و هم‌راستا با یافته‌های روان‌شناختی مانند تفاوت‌های فردی بود. اما تفاوت آشکاری میان تفرید کیفری مدرن و رویکرد پیشینیان وجود دارد؛ در گذشته، تفاوت در مجازات‌ها بیشتر تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اقتدار حاکمان برای سرکوب مخالفان بود، نه بر اساس دانش علمی برای اصلاح مجرم. در مقابل، امروزه تفرید کیفری بر پایه جرم‌شناسی و علوم انسانی شکل گرفته و ابزارهای متنوعی از مرحله تعقیب و تحقیق تا اجرای مجازات را در بر می‌گیرد، به‌گونه‌ای که دادستان، بازپرس، قاضی و مأموران اجرای احکام همگی در این فرایند نقش دارند و مفهوم گسترده‌تری به نام «تفرید تصمیم» را مطرح کرده‌اند.

در جامعه‌شناسی سیاسی، تقویت فردی‌سازی مجازات‌ها می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بازتعریف رابطه دولت و ملت در ایران معاصر تحلیل شود. این اصل با قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم» در حقوق کیفری ایران هم‌راستا است که به قاضی اختیار می‌دهد تا در حوزه تعزیرات، که بخش عمده مجازات‌ها را تشکیل می‌دهد، با توجه به شرایط مجرم و مصلحت جامعه، مجازاتی متناسب تعیین کند. قوانین جدید مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ایران نیز با الهام از جرم‌شناسی، سازوکارهایی مانند تشکیل پرونده شخصیت، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین را پیش‌بینی کرده‌اند که نشان‌دهنده تلاش برای انطباق این اصل با نیازهای جامعه مدرن است. با این حال، منتقدان این رویکرد را به دلیل تعارض با اصل تساوی در برابر قانون مورد انتقاد قرار داده و بر مجازات‌های ثابت و حذف ابزارهای تخفیف مانند تعلیق و آزادی مشروط تأکید دارند. اما واقعیت این است که در عصر کنونی، نه تنها فردی‌سازی تضعیف نشده، بلکه با تنوع ابزارها و گسترش دامنه کاربرد آن، از تعقیب تا اجرای احکام، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، تقویت این اصل در ایران نیازمند بازنگری در تعاملات دولت و ملت است. دولت به‌عنوان نهاد قانون‌گذار و مجری، باید با ایجاد زیرساخت‌های لازم، مانند توسعه نظام‌های جرم‌شناسی و آموزش قضات، زمینه اجرای مؤثر تفرید کیفری را فراهم کند. در مقابل، ملت نیز با افزایش آگاهی اجتماعی و مشارکت در فرایندهای اصلاحی، می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند. تشکل‌های مدنی، کارشناسان و نهادهای واسط می‌توانند نقش پل ارتباطی میان این دو را ایفا کنند تا از یک سو، مجازات‌ها به ابزاری برای سرکوب سیاسی تبدیل نشوند و از سوی دیگر، عدالت و اصلاح در جامعه نهادینه گردد. این تعامل سازنده به‌ویژه در مورد اطفال و نوجوانان اهمیت دارد که به دلیل ویژگی‌های خاص سنی و اجتماعی، نیازمند مجازات‌هایی متناسب و اصلاحی هستند.

در نتیجه، تقویت رویکرد فردی‌سازی مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، نه تنها با مبانی فقهی تعزیرات هماهنگ است، بلکه می‌تواند به‌عنوان بخشی از پروژه بازسازی رابطه دولت و ملت در دوران جهانی‌شدن عمل کند. این اصل با تأکید بر اصلاح فرد و بازگرداندن او به جامعه، از تقابل میان فرد و نظام سیاسی می‌کاهد و به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند. با این حال، ایران در این مسیر پیشرفت کندی داشته و نسبت به نظام‌های حقوقی پیشرفته، نیازمند تلاش بیشتری است. برای تحقق این هدف، پیشنهاد می‌شود که نظام قضایی با تقویت زیرساخت‌های جرم‌شناختی، مانند تشکیل پرونده شخصیت و استفاده از نظرات کارشناسان، و توسعه ابزارهای فردی‌سازی مانند مجازات‌های جایگزین، گام‌های مؤثرتری بردارد. همچنین، آموزش قضات و مأموران اجرای احکام برای تلفیق اصول فقهی و یافته‌های مدرن، و افزایش مشارکت اجتماعی از طریق نهادهای مدنی، می‌تواند این فرایند را تسریع کند. در نهایت، بازنگری قوانین با توجه به تحولات جهانی و حفظ هویت فقهی-ملی، به بالندگی این رویکرد در ایران منجر خواهد شد و نظامی کیفری پدید خواهد آورد که هم عادلانه باشد و هم به بازسازی اجتماعی و سیاسی کمک کند.

منابع و مأخذ

۱. آریان پور، امیرحسین، ۱۳۸۰، مقدمه زمینه جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات دادگستر
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۲، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: نشر گرایش، چاپ اول
۳. آرون، ریمون، ۱۳۶۳، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، مترجم: باقر پرهام، چ ۱، تهران: آموزش انقلاب اسلامی
۴. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۶، بزهکاری اطفال و نوجوانان، جزوه درسی، دانشکده حقوقی دانشگاه شهید بهشتی
۵. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ و ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان
۶. جوان جعفری، عبدالرضا، ۱۳۹۱، تحولات جامعه‌شناسی کیفر: از دورکهایم تا گارلند، در: دایره‌المعارف علوم جنایی، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۱، تهران: میزان
۷. راش، مایکل؛ ۱۳۷۷، جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، سمت، چاپ اول، ص
۸. رهامی، محسن، ۱۳۹۰، عرفی شدن مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت
۹. زراعت، عباس، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات جاودانه جنگل
۱۰. دانش، تاج‌زمان، ۱۳۸۵، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان
۱۱. سالکی، محمد رضا، ۱۳۷۸، دوره‌مقدماتی حقوق جزای عمومی، (با لحاظ لایحه جدید مجازات اسلامی)، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
۱۲. غلامی، حسین، ۱۳۹۰، تکرار جرم بررسی حقوقی - جرم‌شناختی، تهران، انتشارات میزان، چاپ سوم
۱۳. فوکو، میشل، ۱۳۸۱، (مراقبت و تنبیه، تولد زندان)، مترجمان: نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی، چاپ پنجم
۱۴. گاستون، استفانی، ژرژ، لواسور، برنار، بولوک، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
۱۵. -محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش
۱۶. -مظلومان، رضا، ۱۳۵۶، جرم‌شناسی کلیات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۷. -نیاز پور، امیرحسین، ۱۳۹۰، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، نشر میزان
۱۸. ابراهیمی، ابراهیم، ۱۳۹۰، موانع تشکیل پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۱۸
۱۹. شاملو، باقر، مهدی گوزلی، ۱۳۹۰، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۲
۲۰. کریمی مطلق، محسن، رنجبران قاسم، ۱۳۹۴، مطالعه جرم‌شناختی تعویق صدور حکم آثار و پیامدها و پیش شرط‌های اجرایی با توجه به قانون مجازات ۹۲، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق
۲۱. محمدیان، سارا، محمد رضا پور، بابک، ۱۳۹۲، لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره‌های ۲ و ۳
۲۲. نوربها، رضا، ۱۳۸۰، تعدیل شدت مجازات (تخفیف کیفر)، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۹
۲۳. یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۹۳، اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه تر؟، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱
۲۴. تمجید نوجه ده، مجید، ۱۳۸۱، تعلیق مجازات در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم تحقیقات



۲۵. کیانی، محمد، ۱۳۹۲، اصل فردی کردن واکنش اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران
۲۶. محمد علی زاده اشکلک، حبیب، ۱۳۸۳، سیاست جنایی قضایی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق